

اصل مساوات و اصول الگوی اسلامی نظام توزیع*

□ سید احمد عاملی^۱

چکیده

در این مقاله در لایه اول بحث، به دنبال ارائه چگونگی جاری بودن مفهوم مساوات در مراحل مختلف توزیع درآمد، ثروت و فرصت‌های اقتصادی می‌باشیم. و در لایه بعدی تبیین این مفهوم در قالب سبک زندگی اسلامی است که می‌تواند فاصله بین هنجارهای جاری جامعه را با دریافت‌های اصیل دینی در سبک زندگی ایرانی مشخص کند و از سویی اصول طراحی الگوی اسلامی نظام توزیع را در لایه حاکمیتی و ترویج ضرورت‌های فردی و خانوادگی این الگو پایه‌ریزی کند. بر این اساس ابتدا مفهوم مساوات را تبیین کرده و در ادامه نظام توزیع را در سه عنوان کلی که شامل پنج مرحله می‌باشد بررسی کرده و در هر مرحله نحوه جاری بودن یا نبودن اصل مساوات بررسی می‌شود. سه عنوان کلی شامل نظام توزیع قبل از تولید، نظام توزیع در تولید (در ارزش افزوده)، و در آخر نظام توزیع بعد از تولید می‌باشد که عنوان اول در دو مرحله بررسی می‌شود؛ نحوه توزیع ثروت اولیه در دسترس افراد جامعه و نحوه توزیع فرصت‌ها و منابع جامعه در بین افراد جامعه و عنوان سوم شامل زیر بخش‌های اقتصادی جامعه و دهک‌های هزینه‌ای جامعه یا به بیان دیگر

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۴/۲۵ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۹/۲.

۱. استادیار دانشگاه علوم اقتصادی

طبقات مختلف جامعه می‌باشد. در بررسی تمامی مراحل ذکر شده جز در موارد معدودی اصل مساوات در پرداخت‌های انتقالی مطرح نمی‌باشد، که از بارزترین مصادیق آن دریافت سهمی با عنوان حقوق شهروندی است که فارغ از هر قیدی در پرداخت می‌باشد. در انتهای این تحقیق اصول طراحی الگوی اسلامی نظام توزیع ارائه می‌شود.

واژگان کلیدی: اصل مساوات، الگوی اسلامی نظام توزیع، توزیع ثروت، توزیع فرصت، توزیع درآمد، مالیات‌های اسلامی.

مقدمه

می‌خواهیم برداشتی از اصل مساوات و در ذیل آن اصول طراحی الگوی اسلامی نظام توزیع را بررسی کنیم. نظام توزیع در الگوی زندگی در لایه فردی و اجتماعی می‌تواند ظرفیت‌های زیادی را برای حاکمان نظام اسلامی مطرح کند و مجموع کارکردهای این دو لایه می‌تواند بسیاری از مشکلات مبتنی بر عنصر توزیع را حل کند و در یک مرحله بالاتر با رهیافت‌های کلان به ارایه سبک زندگی اسلامی در هنجارهای ایرانی پردازد. می‌توان گفت مفهوم توزیع در نظام اقتصادی می‌تواند شمول ضعیف یا شمول قوی داشته باشد. یک بار توزیع را می‌توان قبل از مرحله تولید تعریف کرد؛ و آن را تا بعد از مرحله تولید ادامه داد این حالت که گسترده و جامع همان شمول قوی می‌باشد، در مقابل توزیع بعد از مرحله تولید قرار می‌گیرد. براساس هر کدام از حیطه‌های تعریف شده، حدود بحث نیز در آن چارچوب ارائه خواهد شد. از جنبه تئوریک اگر یک نظام اقتصادی مفهوم توزیع به معنای عام را بتواند از قبل از فرایند تولید تا بعد از آن تبیین کند، عملاً خیلی از متغیرهای کلان اقتصادی را می‌تواند مدیریت کند و آن را به سمت مصالح جامعه هدایت کند. ما در این مقاله به دنبال بررسی مفهوم توزیع به معنای عام بوده و می‌خواهیم آن را قبل از تولید تبیین کرده و تا مرحله بعد از تولید بررسی کنیم و بتوانیم با بیان مفهوم مساوات جایگاه این اصل را در نظریه توزیع از منظر اسلام بیان کنیم.

ضرورت مسأله

در بررسی تاریخی و اسنادی در صدر اسلام و در سیره حکومتی حضرت رسول ﷺ و امیر مومنان علیه السلام بعضاً ممکن است دچار نحوه‌ای سردرگمی و یا در مواردی تناقض ظاهری در سیره حکومتی ایشان شویم، سردرگمی یا تناقضی که با توجه به مقام عصمت معصومین علیهم السلام، قابل پذیرش نبوده و باید با مطالعه کامل تر و به دست آوردن مبانی فکری نظام اقتصادی در اسلام، آن را رفع کرده و به نحوی جایگاه مسأله را تبیین کرد که از نقل تاریخی خارج شده و تبدیل به اجزاء الگوی اسلامی نظریه نظام اقتصادی شود. به عنوان یک ورود در بحث که در آینده به صورت کامل تبیین خواهد شد، نحوه توزیع بیت‌المال در سیره نبوی و توزیع بیت‌المال در سیره علوی متفاوت به نظر می‌رسد، به گواه تاریخ اصرار و پافشاری حضرت امیر مومنان علیه السلام بر مساوات، که در موارد متعددی در **نهج البلاغه** خودنمایی می‌کند در مقابل سیره نبوی که یا چنین اصراری وجود نداشته و یا بعضاً عامدانه دارای تفاوت بوده و به نص صریح تساوی را کنار گذاشته‌اند.^۱ حال سؤال این است که اگر استناد تاریخی و ثبت تاریخی را صحیح و بدون خدشه بدانیم، آیا این دو قول و روش قابل تبیین و جمع شدن می‌باشد، یا صرفاً با توسل به مصلحت‌های موردی و اضطرارهای زمانی باید آنها را بپذیریم.^۲ از یک منظر دیگر، جدای از این استناد تاریخی، آیا به این محدوده از توزیع باید اکتفا کرد و یا مراحل قبلی آن نیز باید بررسی شود؛ تبیینی از تفکر اسلامی که بتواند هم به سؤال مطرح شده در این جا پاسخ دهد و هم سؤالات دیگری که در ذهن مخاطب در نحوه بهره‌برداری از فرصت‌ها، ثروت، درآمد و ارزش افزوده مطرح شود را پاسخ قانع کننده‌ای بدهد.

به دنبال ارائه‌ای از اصول طراحی الگوی اسلامی نظام توزیع هستیم تا با دریافت صحیحی از آنچه که در استنادهای تاریخی و احکام دینی در قالب یک مدل حکومتی وجود داشته است عملاً بتوان سبک رفتاری حاکمان و افراد جامعه در پیاده سازی اصل توزیع با وسعتی که ارائه خواهد شد را ترسیم کنیم و این الگو می‌تواند توزیع ثروت و درآمد و فرصت‌های کسب ثروت و درآمد را به

روشنی مشخص کند و فاصله رفتارهای موجود را با آنچه باید در سبک دینی وجود داشته باشد، مشخص خواهد کرد.

روش‌شناسی مطالعه

در این تحقیق در بررسی تبیین مسأله و پرداختن به اجزاء آن و در نهایت جمع بندی بحث از تلفیق سیره عملی به استناد تاریخ، اصول اساسی پذیرفته شده در شرع مقدس از سوی دیگر، استناد مبتنی بر فتاوای علما و اجماع منقول از ایشان و عقل استفاده می‌کنیم. با توجه اجزاء ذکر شده که در تبیین مطالعه لحاظ می‌شود جایگاه بحث صرفاً تئوریک بوده و این مستقل از رفتار جامعه مسلمانان در صدر اسلام و یا در شرایط حاضر است.

تبیین مسأله و چارچوب تحقیق

در ابتدا یکی از عناصر اصلی بحث، مفهوم «مساوات» و معیار رقیب آن «عدالت» بیان می‌شود، وجوه اشتراک یا افتراق آن تبیین می‌شود^۳ و در مرحله بعد نظریه توزیع و جایگاه آن بررسی می‌شود.

مفهوم اصل مساوات و عدالت در تفکر اسلامی

از آن جا که به دنبال استفاده از مبانی پذیرفته شده و قابل اتکا در بیان مفاهیم اولیه می‌باشیم، در تبیین این قسمت مبانی نظری مرحوم شهید مطهری رحمته الله علیه را مد نظر قرار داده و در انتها با بیان مناسب با مقاله جمع بندی لازم خواهد شد. می‌توان گفت چهار معنی برای کلمه عدل استعمال شده است.

الف - موزون بودن؛ مجموعه‌ای که در آن اجزاء مختلفی به کار رفته است و هدف خاصی دارند. در این معنی در تعادل اجتماعی آنچه ضروری است، این که میزان احتیاجات مد نظر گرفته شود، و متناسب با آن بودجه و نیرو مصرف شود. «جزء» در این جا فقط وسیله است و جایگاه مستقل ندارد. جهان موزون و متعادل است و اگر نبود نظم و جریان معین و مشخصی نبود، «وَالسَّمَاءُ رَفَعَهَا وَ وَضَعَ الْمِيزَانَ» (رحمن/۷)، «بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (ابوجعفر بن علی بن

ابراهیم، ص ۱۰۳). این موارد در معنی تناسب است و در مقابل آن نا هم آهنگی است. عدل به معنای تناسب و توازن از شئون حکیم و علیم بودن خداوند است.

ب - معنی دوم عدل، تساوی و نفی هر گونه تبعیض است، عدل به این مفهوم یعنی مساوات. اگر منظور این باشد که عدالت ایجاب می کند که هیچ گونه استحقاق رعایت نگردد این عین ظلم است. اگر منظور رعایت تساوی در زمینه استحقاق های مساوی باشد، البته معنی درستی است و از مصادیق عدل است.

ج - رعایت حقوق افراد و اعطا کردن به هر ذی حق، حق او را و ظلم عبارت است از پایمال کردن حقوق و تجاوز و تصرف در حقوق دیگران، آنچه را که در قانون بشری باید رعایت شود، همین معنی است و این متکی بر دو چیز است. اول: حقوق و اولویت ها؛ یعنی افراد بشر نسبت به یکدیگر و مقایسه با یکدیگر نوعی حقوق و اولویت پیدا می کنند.

دوم: این که از خصوصیت ذاتی بشر داشتن اندیشه اعتباری به این مضمون که برای رسیدن به سعادت، باید حقوق و اولویت ها رعایت شود، و این مفهوم عدالت بشری که وجدان آن را تأیید می کند، در ساحت کبریایی راه ندارد و ویژه بشر است.^۴

د - رعایت استحقاق ها در افاضه وجود و امتناع نکردن از افاضه رحمت به آنچه امکان وجود یا کمال دارد. در این تعریف، هر موجودی هر درجه از وجود و کمال وجود که استحقاق و امکان آن را دارد، دریافت می کند و ظلم یعنی منع فیض و امساک وجود از وجودی که استحقاق دارد و این معنی از عدل لایق ذات پروردگار می باشد (مطهری، ص ۱۱۷-۱۳۱).

در جمع بندی این بحث باید گفت مفهوم مساوات، که در این مقاله مد نظر خواهد بود، تساوی و نفی هر گونه تفاوت در بین افراد می باشد، صرف نظر از این که افراد دارای تفاوت در ملاک ها و استحقاق در دریافت داشته باشند یا خیر. به تعبیر دیگر تساوی از نظر دریافت و یا برخورداری از موقعیتی چه افراد موضوع مسأله دارای تفاوت در معیارهای تبیین شده جهت دریافت یا برخورداری باشند و یا نباشند.

تبیین حدود نظریه توزیع

در دسته‌بندی انجام شده در تحقیق سه عنوان کلی، شامل پنج مرحله، تعریف می‌شود و می‌توان نظریه توزیع و سؤالات اساسی مربوط به آن را در این قالب مطرح کرده و به تعبیری هر کدام از این پنج مرحله تبیین کافی داشته به نحوی که سؤالات مطرح شده در هر مرحله به تنهایی می‌تواند بررسی شده و مستقل از مراحل قبلی و بعدی می‌باشد. سه عنوان کلی عبارت است از:

۱. نظام توزیع قبل از تولید؛

۲. نظام توزیع در تولید (در ارزش افزوده)؛

۳. نظام توزیع بعد از تولید.

نکته‌ای را که باید بیان کرد این که نظام توزیع تعریف شده در این تحقیق مبتنی بر افراد جامعه می‌باشد و نه زیربخش‌های جامعه، یعنی این سه عنوان و سه محور اصلی بیان شده ناظر به رفتار دولت اسلامی و قوانین اسلامی با افراد جامعه می‌باشد و در این بررسی زیربخش‌های جامعه و مصالح کلی جامعه از دیدگاه کلان اقتصادی که می‌تواند جزیی از نظام توزیع در نظر گرفته شود، از این سه محور جدا بوده و تحت عنوان توزیع در زیر بخش‌های اقتصادی جامعه طبقه‌بندی شود.

قابل تذکر است که ترتیبات پنج گانه الزام طولی ندارد و می‌تواند جابجا شود، ولی از آن جا که به دنبال تقسیم‌بندی کاملی از حیطه‌های نظریه توزیع بودیم به این نحو بیان شده است.

۱. نظام توزیع قبل از تولید

این محور کلی شامل دو مرحله از تبیین نظام توزیع می‌باشد که عبارت است از نحوه توزیع ثروت اولیه در دسترس افراد جامعه و نحوه توزیع فرصت‌ها و منابع جامعه در بین افراد جامعه.

مرحله اول: نحوه توزیع ثروت اولیه در دسترس افراد جامعه

نظام توزیع ثروت در بین افراد جامعه که اصلی ترین و کامل ترین آن در قالب نظام توزیع ارث تبیین شده است، در ساختار حقوقی اسلام دارای ظرافت و جایگاه مناسب و قابل توجهی می باشد. در این نظام، رفتار حقوقی بین تمام گروه‌هایی که مشمول قانون ارث و بهره بردن از ثروت افراد متوفی می شوند، تبیین شده است. افراد جامعه و به تعبیری هر گروه و خانواده در توزیع ثروت می توانند با رجوع به این قوانین، از توزیع ثروت منطبق با ضوابط حاکم بر این حیطه بهره‌مند شوند.

آنچه که از منظر یک سیستم مهم است، تبیین مسائل مبتلا به در این حوزه از نظام توزیع است که می توان به اعتبار سنت و قرآن^۵ و اجماع و نصوص حقوقی برگرفته از آن، ادعای بیان کافی و دقیق را نمود. ارزیابی و کیفیت قوانین موجود و مقتضیات زمان و مکان نقشی قابل اغماض در توزیع ثروت داشته و احکام اولیه آن را دگرگون نمی کند. می توان با در نظر گرفتن هدف تحقیق نتایج زیر را بیان کرد.

- در بررسی قوانین این بخش، مفهوم تساوی و بر خورداری از سهم یکسان از ثروت متوفی اصلاً مطرح نمی باشد، بلکه افراد در غالب موارد سهم متفاوت را از این ثروت دریافت می کنند.

- افراد شرکت کننده یا شامل این موضوع، محدود می باشند؛ به این معنی که بعد از فوت یک شخص، صرف نظر از جایگاه دولت اسلامی، افراد حقیقی دخیل در دریافت ثروت، محدود و معین بوده و بستگی به کم یا زیاد بودن ثروت از سویی و تعداد افراد از سوی دیگر نمی باشد. یعنی غیر از افراد شامل موضوع، دیگر افراد جامعه از آن بهره‌ای ندارند و به تعبیری سهم دیگر افراد جامعه از آن توزیع ثروت صفر می باشد.

- به جز مواردی^۶ که تصرف در ارث را برای دولت اسلامی و حاکم اسلامی مجاز می داند، گروه‌های ارث منصوص قرآنی بوده و از حیطه سلیقه حاکم اسلامی خارج می باشد و به تعبیری می توان گفت در این مرحله نقشی برای

تشخیص واجدین شرایط ارث و نحوه توزیع ثروت در بین افراد واجد شرایط برای دولت اسلامی وجود ندارد.

- با دیدگاه تبیین اصول اساسی در طراحی الگویی اسلامی نظام توزیع در این مرحله از بررسی، مادامی که افراد در دیدگاه ارث مبتنی بر نصوص دینی عمل می‌کنند، جنبه عدالتی آن بر سلیقه‌ها و یا تصورات ناصواب مبتنی بر تعصب، اقلیم، قومیت و جنسیت غلبه کرده و عملاً از پیرایه‌های ذکر شده پاک می‌گردد. دقیق بودن و تبیین کافی قوانین ارث، کامل بودن این قسمت از طراحی نظام توزیع را نشان می‌دهد.

به عنوان جمع‌بندی مرحله اول از عنوان کلی اول، باید گفت اصل مساوات در این مرحله جایگاهی ندارد و با دیدگاه آحاد افراد جامعه شامل افراد جامعه نمی‌شود و گروه‌های معین می‌توانند از آن استفاده کنند و در بین افراد شامل دریافت ثروت نیز، اصل مساوات الزاماً رعایت نمی‌شود.

مرحله دوم: نحوه توزیع فرصت‌ها و منابع جامعه در بین افراد جامعه
در بررسی این مرحله می‌توانیم منابع و فرصت‌های جامعه را در دو دسته اصلی تقسیم‌بندی کنیم و براساس این دسته‌بندی مفهوم توزیع و برقراری اصل مساوات را تبیین کنیم؛ زمین، معادن، منابع طبیعی یک دسته و فرصت‌های اطلاعاتی در دسترسی به فرصت‌های کسب و کار در دسته بعدی قرار می‌گیرد.

الف - زمین، منابع طبیعی

زمین:

در این قسمت با توجه به این که تفصیل بحث در انواع زمین و مسایل جزئی آن مد نظر نمی‌باشد، خلاصه نظریات منطبق با هدف مقاله، براساس قول مشهور از نظریات مرحوم شیخ انصاری ارائه می‌شود.

- به طور کلی زمین یا موات و بایر است و یا آباد و دائر است و هر یک از این دو صورت یا بالاصاله است یا بالعرض.

- قسم اول (موات بالاصاله) از انفال بوده و ملک امام می‌باشد. تصرف در آن مباح و اراضی مزبور به ملک آباد کننده آن داخل می‌شود.

- قسم دوم (آباد بالاصاله) از انفال بوده و ملک امام می‌باشد. می‌تواند مانند قسم اول با حيازت به ملک فرد درآید و یا این که ملک امام است و معنی ندارد به ملک شخص دیگری درآید.

- قسم سوم (آباد بالعرض) در صورت شرایط مذکور در باب احیا به ملک احیا کننده آن داخل می‌شود.

- قسم چهارم (موات بالعرض) یا عمران آن بالاصاله بوده که متعلق به امام می‌باشد یا این که بالعرض می‌باشد که دو قول است یا متعلق به آباد کننده اولی است و یا از ملک احیا کننده اولی خارج می‌شود (میر شفیعی خوانساری، صص ۱۴۱-۱۴۶).

منابع طبیعی تولید:

شالوده نظر در این قسمت براساس نظریات مرحوم صدر از کتاب اقتصادنا به طور خلاصه مطرح می‌شود و در انتها جمع‌بندی مطابق با هدف تحقیق ارائه می‌شود.

- معادن:

معادن ظاهری، سرمایه عمومی محسوب می‌شود، اما در معادن، همه مردم حقوق متساوی دارند. عموم اتباع دولت اسلامی خواه مسلم و یا غیر مسلم صاحب آن هستند (صدر، ۱۳۵۷، جلد دوم، صص ۱۲۱-۱۲۲).

معادن باطنی شامل نزدیک به زمین و معادن در بطن زمین می‌باشند، که به طور خلاصه می‌توان گفت:

معادن جزء مشترکات عمومی و در تملک جامعه می‌باشد. بدین جهت فرد نمی‌تواند رگه‌ها و ذخایر فرو رفته در زمین را به طور خصوصی تملک کند، ولی نسبت به تملک فردی مواردی که در حدود عملیات حفاری عمودی و یا افقی به دست آورده، اختلاف نظر وجود دارد. به موجب نظریه حقوق رسمی، در

معادن باطنی فرد حق تملک در محدوده عملیات اکتشافی دارد، و به موجب نظریه مخالف حق تملک فردی فقط نسبت به موارد استخراجی قانونی بوده و برای استخراج کننده نسبت به هر کس دیگری حق اولویت شناخته شده است (همان، ص ۱۲۷).

- آب‌های طبیعی:

در مورد مواد طبیعی، فرد نمی‌تواند مادام که استفاده دیگران لطمه‌ای به حق او وارد نمی‌سازد، آنان را از استفاده باز دارد، زیرا فرد معینی مالک ماده طبیعی نیست، بلکه فقط به واسطه فرصت انتفاعی که ایجاد کرده است در بهره‌برداری مقدم است و باید هر چه را با حق انتفاع او معارض نباشد باید به دیگران ببخشد.

- سایر ثروت‌های طبیعی:

سایر ثروت‌های طبیعی از مباحات عمومی محسوب می‌شوند افراد می‌توانند از آنها استفاده و رقبه را تملک کنند که با کار متناسب و لازم برای حیات آنها تملک به وجود می‌آید (همان، ص ۱۴۲).

ب - فرصت‌های اطلاعاتی در دسترسی به فرصت‌های کسب و کار
در طی زمان با توجه به پیچیدگی جوامع، پیچیدگی اقتصادها نیز اتفاق افتاده است و این پیچیدگی در تمام اجزای اقتصاد اتفاق افتاده است. می‌توان فرصت‌های اطلاعاتی را شامل عناوین زیر دانست.^۷

- ارائه آخرین اطلاعات جانب عرضه در صنایع موجود؛
- ارائه آخرین اطلاعات جانب تقاضا در صنایع موجود؛
- ارائه آخرین آئین نامه‌ها و مقررات در صنایع موجود؛
- ارائه آخرین فرصت‌های جدید درون و برون کشوری؛
- ارائه آخرین مشاوره‌های کسب و کار در صنایع موجود؛
- ارائه بانک ایده جهت فرصت‌های کسب و کار.

این فهرست، که موارد متعدد دیگری نیز می‌توان به آن افزود، عملاً وسعت و

اهمیت مسؤولیت دولت اسلامی را جهت در اختیار قرار دادن و اطلاع رسانی فرصت‌های کسب و کار نشان می‌دهد. مجموعه این وظایف در فرض دولت با نگاه حاکمیتی و سیاست‌گذاری است. حال اگر دولتی با رویکرد اقتصادی را در نظر بگیریم که خود بدنه اصلی اقتصادی جامعه را تشکیل دهد، اطلاع رسانی جنبه الزامی و اساسی به خود گرفته و اهمیت آن دوچندان خواهد شد. در این حالت، نظارت کارآمد در تخصیص فرصت‌ها، اهمیت خود را نشان می‌دهد و عدم نظارت، فرصت سوء استفاده را در بدنه اقتصادی چندین برابر می‌کند. ایجاد فرصت‌های برابر در شرایط و ضوابط یکسان و نظارت دقیق در بررسی واجدین شرایط در اقتصاد دولتی، از حساس‌ترین موارد می‌باشد که می‌تواند بر رفتار متغیرهای اساسی اقتصاد اثرگذار باشد.

در جمع‌بندی این قسمت از طراحی الگوی اسلامی نظام توزیع می‌توان گفت، در قسمت مربوط به منابع طبیعی افراد با رعایت حدود قانونی در نظام اسلامی نسبت به تملک در موارد معین می‌توانند اقدام کنند و اصل این فرصت برای همگان یکسان است، ولی نحوه عملکرد افراد و دارایی‌های کسب شده، الزاماً یکسان نخواهد بود، بلکه براساس قول مشهور افراد می‌توانند براساس استعداد و توانایی‌های خود ثروت زیادی را برای خود به دست آورند و برای اصل مساوات صرفاً در فرصت اولیه برای اقدام می‌توان جایگاهی را قائل شد. در شفاف‌سازی نظام اطلاعاتی، اعلان فرصت‌ها به طور عمومی انجام خواهد شد و افراد نسبت به توان‌مندی و استعدادهای خود از این فرصت‌ها استفاده خواهند کرد. به تعبیری در این شفاف‌سازی قیدی برای اعلان اطلاعات اقتصادی جامعه غیر از مصالح ملی وجود ندارد و اصل مساوات را در اعلان این حیطه می‌توان برقرار دانست. البته قابل ذکر است که انجام امور محوله و دستیابی به فرصت‌ها، متکی به توان‌مندی‌ها می‌باشد که مفهوم جدایی از در اختیار قرار دادن فرصت برابر مواجه شدن می‌باشد. می‌توان گفت اگر به دنبال دریافت فرصت‌ها باشیم، باید بگوییم آن فردی که دارای توان‌مندی لازم است باید فرصت مورد نظر را در اختیار بگیرد و به تعبیر دیگر در این جا اولویت توان‌مندی وجود دارد و بر این مبنا اصل

تساوی مبتنی بر توان‌مندی یکسان است و عدالت به مفهوم اعطای حق به صاحب حق یا قرار دادن هر شی و چیزی در جای خودش می‌باشد و اصل مساوات به مفهوم عام آن در این جا برقرار نیست، و افراد به مجرد ابراز علاقه‌مندی به در اختیار داشتن فرصتی، شامل دریافت این فرصت نخواهد شد.

۲. نظام توزیع در تولید

در بررسی نظام توزیع در فرایند تولیدی، در مراجعه به منابع، آنچه که بیشتر جلب توجه می‌کند دیدگاه صدور احکام اولیه ناظر به وضعیت اقتصادی صدر اسلام می‌باشد. اقتصاد آن زمان همان طور که شرایط اقتضا می‌کرد مبتنی بر داد و ستد و بازرگانی و از سویی مبتنی بر اقتصاد کشاورزی بوده است، هر چند که دامداری و صیادی را نیز می‌توان در نظر گرفت، به این سبب بیشتر احکام و عقود امضایی ناظر به داد و ستد و کشاورزی می‌باشد.

جبران خدمات عامل کار

در بررسی نظریات شهید صدر علیه السلام در زمینه جبران خدمات عامل کار، عناوین اصلی زیر به دست می‌آید:

- در حقوق اسلامی دو روش پرداخت اجرت خدمات عامل کار شناخته شده است، که هر کدام را عامل بخواد می‌تواند انتخاب کند.

۱. روش دستمزد؛

۲. روش شرکت در منافع یا محصول.

در روش اول دریافت دستمزد مضمون است چه صاحب مال سود برد یا زیان کند، روش دوم سهمی از سود محصول را می‌برد و اگر سودی عاید نشد در آمدی هم برای عامل نیست.

احکام اجاره و جعاله ناظر به روش اول است و احکام مزارعه، مساقات، مضاربه و جعاله در روش دوم کاربرد دارد. ابزارهای سرمایه‌ای مانند انواع ماشین‌آلات که در عقود روش دوم به کار می‌رود، فقط اجرت یا کرایه دریافت

می‌کند و در محصول یا سود سهمی ندارند.

اگر عقدی به نحو صحیح شرعی بسته نشود و یکی از اصول آن رعایت نشود، سهم‌بری سود و یا محصول در آنها (روش دوم) از بین می‌رود و یا عقد باطل است و یا فقط اجاره ابزارهایی که در عقد به کار رفته را به دست می‌آورد.

- کار، یگانه مجوز اساسی مطالبه اجرت از صاحب واحد اقتصادی است و بدون آن دلیلی برای اخذ اجرت نیست. ابزار تولید هم نوعی کار است، اما کار تجسم یافته که استفاده از آنها باعث استهلاک و احتمالاً پس از مدتی عدم کارایی آن می‌گردد. در آمدی که به کار مستقیم مثل کار کارگر یا منفصل مثل کار ذخیره در ابزار تولید و جز آن مبتنی نباشد ممنوع و غیرقانونی است (همان، صص ۲۴۰-۲۵۰).

در بحث جبران خدمات نیروی کار آنچه از قول مشهور در بحث عقود و جعله به دست می‌آید عبارت است از:

- در عقد مضاربه، عامل با رعایت شرایط براساس سهم توافق شده، سهم می‌برد (دادمرزی، ۳۶۱)؛

- در عقد مزارعه، عامل با رعایت شرایط براساس سهم توافق شده سهم می‌برد و به علاوه در صورت توافق می‌تواند مبلغ اضافه بر سهم را نیز از مالک اخذ کند (همان، صص ۳۷۶-۳۷۷)؛

- در عقد مساقات، عامل با رعایت شرایط براساس سهم توافق شده، سهم می‌برد (همان، ۳۸۲)؛

- در عقد اجاره، تسلیم اجرت پس از انجام کار واجب می‌گردد به جز موارد خاص (همان، ۳۹۱)؛

- در عقد اجاره هر گاه مستاجر برای دو فرض مختلف دو اجرت قرار دهد، نظر درست‌تر صحت آن است (همان، ۳۹۲)؛

- در عقد اجاره، منفعت اجیر خاص ملک مستاجر است و نمی‌تواند برای غیر مستاجر کار کند، مگر با لحاظ شرایط لازم (همان، ۳۹۵)؛

- صیغه جعله بر هر کار حلالی که مورد اعتنای عقلا باشد و انجام آن بر عامل

واجب نباشد صحیح می‌باشد (همان، ص ۴۲۲).

در جمع‌بندی اصول اساسی طراحی الگوی اسلامی نظام توزیع در عنوان کلی دوم، می‌توان گفت برقراری اصل مساوات در دریافت محصول یا سود از نتیجه کار در هیچ مرحله و با هر تعبیری که از نحوه کار در بالا مطرح شده وجود ندارد. در اکثر عقود، سهم‌بری مطرح است که آن نیز یک موضوع قابل بحث بوده، زیرا تماماً متکی به نقش آنها در تولید نبوده تا سهم‌بری مبتنی بر توانمندی آنها باشد و مفهوم عدالت که قبلاً مطرح شد، در این جا برقرار باشد. شاید بتوان گفت آنچه شایسته است، به کارگیری اصل عدالت است، ولی در عقود مطرح شده تراضی طرفین به مفاد سهم‌بری، صحت عقد را در پی خواهد داشت و مفهوم چانه‌زنی و قدرت کارگر و کارفرما در سهم‌بری دارای نقش انکارناپذیری خواهد داشت.

ولی آنچه را که ما به دنبال آن بودیم، بررسی وضعیت اصل مساوات در سهم‌بری بوده است، که به نظر می‌رسد این اصل برقرار نمی‌باشد. در مواردی در بهترین حالت عدالت اقتصادی مطرح می‌باشد و در مواردی نیز اجاره توافقی ابزارها مطرح است که اصل مساوات در آنجا نیز مطرح نمی‌باشد.

در اقتصاد امروزی، بسیط بودن و محدود بودن کار و تولید وجود نداشته و عملاً عقود مثل مزارعه، مساقات و مضاربه جایگاه اولیه و سهم اساسی خود را از دست داده و بخش خدمات و صنعت حجم بیشتری از تولید ملی را تشکیل می‌دهند، بنابراین اتکا به این عقود اهمیت خود را از دست داده و غالباً با توجه به سطوح تکنولوژی و نوع صنعت و سرمایه‌های گزاف مورد نیاز برای ایجاد مشاغل، عملاً نقش نیروی کار تعیین کننده نیست و به صورت نهاده تولیدی در قالب عقد اجاره یا جعاله (قوانین کار) ارائه خدمات خواهد داد. در این حالت نیز آنچه که مشاهده می‌شود، عدم اجرای اصل سهم‌بری در قسمت عمده اقتصاد بوده و جایگاه نیروی کار به عنوان نهاده تولیدی قابل اجاره تثبیت شده است. در این حالت نیز اصل مساوات در دریافت سهم از محصول یا تولید مفهوم نداشته و طبق شرایط قرارداد کار، مزد دریافت می‌کند.

۳. نظام توزیع بعد از تولید

در این مرحله حضور دولت اسلامی به عنوان تنها عنصری است که در جانب هزینه و یا مصرف درآمدهای حاصله از مکانیسم‌های مختلف درآمدی وجود دارد، و باید شیوه هزینه کرد دولت اسلامی با توجه به موضوع تحقیق بررسی شود.

در دو گروه اصلی هزینه‌های دولت به عنوان پرداخت‌های انتقالی می‌تواند صورت بگیرد که عبارتند از:

- زیربخش‌های اقتصادی جامعه؛

- دهک‌های درآمدی (هزینه‌ای) جامعه یا به بیان دیگر طبقات مختلف جامعه. قبل از آن که نحوه تخصیص پرداخت‌های انتقالی یا در مواردی منابع مختلف جامعه را بررسی کنیم، باید بدانیم دولت اسلامی در قبال دریافت انواع منابع مالی در مواردی مصارف معین و تکلیفی دارد که باید تا حد امکان آن تکالیف را انجام دهد. البته در موارد متعددی نیز آزادی عمل در مصارف و تخصیص منابع مالی دارد. بنابر این ابتدا منابع مالی در دولت اسلامی را بررسی می‌کنیم تا به تبع آن موارد مصرف یا تخصیص آن نیز مشخص شود.

منابع مالی در نظام اسلامی

۱. منبع مالی ناشی از مالیات‌های اسلامی از جمله خمس و زکات باشد:

* زکات:

- زکات به طور کلی از ضروریات دین است و منکر آن در حکم کفار است (امام خمینی، ۱۴۰۱ق، ص ۳۱۱).

- برای زکات مصارف زیر تعیین شده است و در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز در این موارد مصرف می‌شد.

۱ و ۲. فقیران و مسکینان؛ ۳. کارگران زکات؛ ۴. تألیف قلوب تازه مسلمانان؛ ۵. آزادی بندگان؛ ۶. پرداخت بدهی بدهکاران؛ ۷. فی سبیل الله؛ ۸. در راه ماندگان (همان، صص ۳۱۵-۳۳۸).

- در زکات این مسأله اتفاقی است که تقسیم زکات بین تمام گروه‌ها واجب

نیست و می‌توان آن را در یک یا چند مورد خاص از این موارد مصرف کرد (نجفی، ج ۱۵، صص ۴۲۸-۴۲۹).

- تقسیم زکات در بین اصناف هشت‌گانه واجب نیست، هر چند در صورت زیادی زکات و وجود اصناف مستحب است، جایز است تخصیص به برخی از گروه‌ها و واجب نیست در هر صنف بین تمام افراد توزیع شود و جایز است که به بعضی از افراد تخصیص داده شود (امام خمینی، ص ۳۴۱).

- چنان که امروز زکات‌های گوناگون نیز در عصر وی (فقیه) به دست اوست، و سهام آن را در مواردی که مصلحت می‌داند مصرف می‌کند (امام خمینی، ج ۲، ص ۴۹۵).

- بنا به نظر مشهور، سبیل الله، شامل همه راه‌های خیر می‌شود (نجفی، ج ۱۵، ص ۳۶۸).

- فی سبیل الله هر چیزی که نزدیکی به خدا و مصلحت در آن است، مثل جهاد، حج، آبادی قنات‌ها (مختصرالنافع، ص ۱۱۹).

- جایز است که به یک صنف از اصناف زکات داده شود و حتی یک نفر، و تقسیم آن افضل است (مختصرالنافع، ص ۱۲۰).

- فقرا و مساکین کسانی هستند که مؤونه سال را برای خودش و عیالش ندارد، هر چند صاحب خانه و خادم باشد (مختصرالنافع، ص ۱۱۸).
* خمس:

- خمس چیزی است که خداوند آن را عوض از زکات برای حضرت محمد ﷺ و خاندان آن حضرت قرار داد (امام خمینی، ۳۵۱).

- خمس در موارد هفت‌گانه واجب است: غنایم جنگی، معدن، گنج، جواهری که با غواصی در دریا به دست آید، مازاد بر مخارج سال، زمینی که فرد ذمی از مسلمان بخرد، مال حلال مخلوط به حرام (همان، صص ۳۵۲-۳۵۸).

- اهل سنت، بیشتر موارد خمس را در زکات قرار داده‌اند و خمس را فقط مشتمل بر غنایم جنگی و گاهی معدن و گنج دانسته‌اند. آیت الله احمدی میانجی، با نقل متن بسیاری از نامه‌های حضرت رسول اکرم ﷺ به مأموران خود، نشان

می‌دهد که رسول خدا به گردآوری خمس از راه‌های گوناگون اقتصادی دستور داده است (فراهانی فرد، ص ۵۸).

- گروهی معتقدند خمس حق واحدی است، که همانند انفال برای منصب امامت جعل شده است، و بنی‌هاشم ملکیتی بر خمس ندارد، فقط محل مصرف آن هستند، بر این اساس، امام معصوم علیه السلام و ولی فقیه، مخارج سادات را از این سهم می‌پردازند. اگر این سهم کافی نباشد، بقیه را از منابع دیگر مهیا می‌کند و اگر مازاد باشد، در موارد دیگر مصرف می‌کند (همان، ص ۲۳۱).

۲. منع مالی ناشی از خراج، جزیه و سایر درآمدهای اسلامی باشد:
- جزیه، مالیاتی است که حاکم اسلامی طبق شرایطی از اهل کتاب که در جامعه اسلامی زندگی می‌کنند، دریافت می‌کند (همان، ص ۶۱).

- از نظر امامیه برای جزیه مقدار معینی وجود ندارد و براساس نظر حاکم شرع و توافق با اهل کتاب معین می‌شود، ولی علمای اهل سنت برای آن مقدار تعیین کرده‌اند (تسخیری، ص ۳۳۲).

- در آمد انفال و خراج، چون مصرف خاص تعیین شده ندارد، براساس مصالح مسلمانان در موارد ضروری استفاده می‌شود (فراهانی، ص ۱۷۰).

- در دوره صدر اسلام، یکی از ارقام مهم درآمدی از زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خراج بود. در زمان خلیفه دوم نیز زمین‌های مفتوح‌العنوه میان مسلمانان تقسیم نشده، بلکه در ملکیت عمومی مسلمانان در آمد و از آنها خراج اخذ می‌شد، و از امیر مؤمنان علیه السلام نیز مطالبی دال بر مخالفت با او نقل نشده است (همان، ص ۵۹).

با توجه به موارد ذکر شده در مالیات‌های اسلامی و با در نظر گرفتن این نکته که یکی از اقسام هزینه‌های دولت، پرداخت‌های انتقالی در بین افراد جامعه می‌باشد، برای نحوه این پرداخت‌ها در میان دهک‌های هزینه‌ای و آحاد جامعه می‌توان حالت‌های زیر را تصور کرد:

- همه گروه‌های درآمدی جامعه به طور یکسان از پرداخت‌های انتقالی (بیت المال) سهم می‌برند؛

- همه گروه‌های درآمدی جامعه به طور متفاوت و غیریکسان به نفع

دهک‌های بالای جامعه از پرداخت‌های انتقالی (بیت‌المال) سهم می‌برند؛
- همه گروه‌های درآمدی جامعه به طور متفاوت و غیریکسان به نفع

دهک‌های پایین جامعه از پرداخت‌های انتقالی (بیت‌المال) سهم می‌برند؛
- فقط دهک‌های پایین جامعه از پرداخت‌های انتقالی (بیت‌المال) سهم
می‌برند؛

- فقط دهک‌های بالای جامعه از پرداخت‌های انتقالی (بیت‌المال) سهم
می‌برند؛

- ابتدا گروه‌های جامعه به تفاوت از پرداخت‌های انتقالی (بیت‌المال) سهم
می‌برند و بعد از آن تمام گروه‌ها به طور یکسان از پرداخت‌های انتقالی
(بیت‌المال) سهم می‌برند؛

شش قول و یا شش حالت قابل تصور در بالا بیان شده است که باید با ادله
کافی آنها را بررسی کرده و قول یا حالات غیر صحیح را تشخیص داده و قول
صحیح را پیدا کنیم؛ و در انتها بتوانیم قول آخر را، که قول صحیح می‌باشد،
انتخاب کنیم.

اصول اولیه مورد نیاز در بحث از مالیات‌های اسلامی مطرح شد. سیره نبوی و
علوی به فراخور بحث در ضمن مطالب بیان خواهد شد، تا بتوان قول صحیح را
انتخاب کرد.

نتایج اولیه از بیان موارد گفته شده در مصارف مالیات‌های اسلامی شامل
موارد زیر می‌شود:

- گروه‌های مشخصی از جامعه در مرحله‌ای از پرداخت‌های انتقالی استفاده
می‌کنند. در بین این گروه‌ها، گروه‌های نیازمند یا کم درآمد و یا دهک‌های
پایین جامعه وجود دارد.

- در بین گروه‌ها، گروه‌های غیر نیازمند مانند عامل‌های زکات، در راه
ماندگان و تألیف قلوب وجود دارد.

- مفهوم نیازمند در یکی از مصارف زکات تا حد زندگی متوسط افراد جامعه
توسعه و گسترش پیدا کرده است و لزومی به محدود کردن آن نداریم.

جمع‌بندی اولیه

اصول اساسی طراحی الگوی اسلامی نظام توزیع در این مرحله از عنوان کلی سوم عبارت است از پرداخت‌های انتقالی با مصرف مشخص در بین گروه‌های جامعه، بیشتر دهک‌های جامعه را از پایین به سمت متوسط پوشش می‌دهد و حتی در پرداخت بدهی بدهکاران با شرایط خاص می‌تواند دهک‌های بالای جامعه را نیز پوشش دهد. به تعبیر دیگر، الزامی در مصرف و توزیع یکسان پرداخت‌های انتقالی دولت اسلامی (بیت‌المال) در بین گروه‌های جامعه به صورت برابر و به تساوی وجود ندارد، بلکه آنچه صحیح به نظر می‌رسد، دریافت‌های ناشی از مالیات‌های اصلی (خمس و زکات) گروه‌های خاص جامعه را پوشش می‌دهد و به تفاوت و براساس رعایت مصالح جامعه توزیع بیت‌المال انجام می‌پذیرد و اصل مساوات در این محدوده به طور الزامی برقرار نمی‌باشد. آن قسمت از درآمدهای دولت اسلامی که در اختیار حاکم اسلامی می‌باشد و براساس مصالح ملی می‌تواند هزینه شود و به بیان دیگر مصرف مشخص و الزامی از قبل ندارد، از جمله درآمدهای حاصل از انفال، خراج، جزیه اگر بنا باشد براساس تشخیص حاکم مصرف شود، در دو دسته اصلی، مصارف آن بیان شده است.

- مصارف در نهادهای اقتصادی جامعه و مصالح ملی؛

- مصارف در بین گروه‌های هزینه‌ای جامعه.

برای اخذ نتیجه بهتر و دلایل کافی در انتخاب نظر مناسب، سیره نبوی و علوی و روش خلفا به طور اجمال به فراخور هدف تحقیق بیان می‌شود.

- در غزوه بنی‌نضیر به دستور پیامبر ﷺ، تمام غنائم میان مهاجران، و دو یا سه نفر از انصار تقسیم شد و هیچ سهمی از آن به دیگر انصار داده نشد (فراهانی، ص ۷۲).

- پیامبر اکرم ﷺ روزانه درآمدهای بیت‌المال را براساس مصارف معین آن تقسیم می‌کرد و در هنگام تقسیم، سهم همه افراد را به طور مساوی می‌پرداخت (همان، ص ۷۲).

- از مهاجرین آغاز کن و آنان را به حضور بطلب به هر یک سه دینار بده، سپس انصار را به حضور بطلب و به آنان نیز به هر یک سه دینار بده، پس از آنها هر یک از مردم که حاضر شدند چه سرخ پوست یا سیاه پوست همین مقدار را بده (ابن ابی الحدید، جلد ۷، صص ۳۵-۳۸).

- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خراج زمین‌های انفال را به هر مصرفی که صلاح می‌دید می‌رساند، ولی خراج زمین‌های مفتوح‌العنوه را، که از طریق جهاد به مسلمانان رسیده بود، فقط برای رفع نیازهای مسلمانان صرف می‌نمود. رسول اکرم صلی الله علیه و آله روزانه درآمدهای بیت‌المال را بر حسب مصارف معین آن تقسیم می‌کردند و هنگام تقسیم، سهم همه افراد مستحق را به طور مساوی می‌پرداختند. واقدی نحوه توزیع درآمدهای فیهی، خمس و صدقات را ثبت کرده است (صدر، ۱۳۷۴، ص ۱۳۱).

خليفة دوم در زمان حکومت‌اش از درآمدهای بسیار زیاد بیت‌المال، که از خراج زمین‌های مفتوح‌العنوه گردآوری شده بود، برای کلیه مهاجران، انصار، خانواده پیامبر صلی الله علیه و آله و سایر افراد سهمیه‌ای به شرح زیر تعیین کرد:

- برای همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و عموی وی عباس، سالانه ۱۰۰۰۰ درهم تعیین کرد؛ به جز عایشه که مقرری وی ۱۲۰۰۰ درهم (و جویریة و مقنیه که هر یک ۶۰۰۰ درهم) بود. برای جنگ‌آوران بدر و امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام و فرزندان علی علیه السلام ۵۰۰۰ درهم، برای کسانی که در اسلام تقدم داشتند، اما در بدر حاضر نبودند، ۴۰۰۰ درهم، برای عبدالله بن عمر و بعضی فرزندان مهاجر و انصار ۳۰۰۰ درهم، برای دیگر فرزندان مهاجر و انصار ۲۰۰۰ درهم، برای مکیان ۸۰۰ درهم، برای مردم دیگر مبلغی از ۳۰۰ تا ۴۰۰ درهم، برای زنان مهاجر و انصار به تفاوت ۲۰۰، ۳۰۰، ۴۰۰، ۶۰۰ و ۱۰۰۰ درهم (همان، صص ۱۳۲-۱۳۳).

- اگر اموال از خودم بود، به طور مساوی در میان آنها تقسیم می‌کردم تا چه رسد به این که این اموال، اموال خداست ... آگاه باشید بخشیدن مال در غیر موردش تبذیر و اسراف است، این کار در دنیا ممکن است باعث سربلندی انجام دهنده آن شود، ولی در آخرت موجب سرافکنندگی وی می‌گردد، احیاناً در میان

مردم (دنیاپرست) گرامی‌اش می‌نماید، ولی در نزد خدا خوارش می‌سازد (امامی و آشتیانی، ۱۳۵۸، ج ۲، ص ۸۵).

در این قسمت از مقاله، موارد وجوه مصرف بیت‌المال در جهت توسعه و آبادانی حکومت اسلامی برگرفته از کتاب **اقتصاد صدر اسلام** با تلخیص و تصرف بیان می‌شود.

موارد مصرف وجوه بیت‌المال در بین نهادهای اقتصادی و اجتماعی جامعه:

۱. تبلیغ و ترویج اسلام: این موارد شامل آموختن قرآن و تفقه در دین، تعلیم معارف اسلامی، اعزام سفرای حکومت اسلامی به سوی زمامداران سایر کشورها بود.

۲. اقدامات فرهنگی: توسعه خواندن و نوشتن بین مسلمانان و افزایش سوادآموزی در بین مردم، داوری و انتخاب کافی برای انجام امر قضا در بین مردم، ساختن مسجد.

۳. پیشبرد علوم و فنون: استفاده از دانشمندان سایر ادیان و کشورهای دیگر، پزشکان و ادیبان، پرستاران زن، پیش‌گیری از سرایت امراض، توجه به صنعت اسلحه‌سازی و تلاش در دستیابی به سلاح‌های جدید، استفاده از فنون جدید رزمی و دفاعی، آشنایی و به‌کارگیری امور مالی و حسابداری بیت‌المال در زمان عمر بن الخطاب، به‌کارگیری فنون معماری و شهرسازی در ساختن کوفه و بصره، ضرب سکه به نام دولت اسلامی در خلافت حضرت علی علیه السلام.

۴. سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی: تقسیم زمین برای خانه‌سازی و ساختن حمام، ایجاد بازار برای شهر مدینه، گسترش شبکه‌های ارتباطی، توسعه نامه‌رسانی.

۵. تهیه سلاح و مرکب از افراد جامعه، داوطلبانه یا از هزینه حکومت اسلامی، استفاده از غنایم در جنگ‌ها، استقراض جهت خرید اسلحه، کمک مالی توان‌گران به سپاه اسلام، تهیه طرح‌های نظامی و ایجاد تأسیسات نظامی، حفر خندق، حفظ اسرار نظامی در شیوه‌های جنگی (صدر، ۱۳۷۴، صص ۱۱۷-۱۳۱).

آنچه از مجموع مطالب ارائه شده در عنوان کلی سوم به دست می‌آید عبارت

است از:

با استفاده از ظرفیت‌های مصارف مالیات‌های خمس و زکات، قسمت اصلی گروه‌های مصرف در دهک‌های پایین جامعه مورد نظر بوده و با تأمین نیازهای آنها، فاصله طبقاتی از نظر درآمدی و ثروت در جامعه کاهش می‌یابد. در مرحله بعد، درآمدهایی که محل مشخص مصرف ندارند، دولت اسلامی بنا به تشخیص خود، در گروه‌های کم درآمدی که هنوز به سطوح کافی از درآمد و ثروت نرسیده‌اند، مصرف کرده و یا در نهادهای اقتصادی جامعه و اهداف کلان جامعه هزینه می‌شود. در مرحله آخر آن قسمت از درآمدهای جامعه که قرار است بین افراد و آحاد جامعه به عنوان جایگاه شهروندی توزیع شود، شامل همه گروه‌ها، به طور یکسان و مستقل از جایگاه درآمدی و ثروت افراد جامعه می‌باشد، در این مرحله افراد به واسطه نداشتن ثروت و درآمد کافی سهم بیشتری دریافت نخواهند کرد و دیگر افراد نیز به خاطر ثروت کلان و زیاد و یا پرداخت مالیات از آن منع نمی‌شوند. به بیان دیگر در ابتدای این مرحله از توزیع، افراد جامعه به تفاوت دریافت می‌کنند و این دریافت به نفع دهک‌های پایین جامعه می‌باشد، و در لایه بعدی به صورت یکسان از این درآمدها دریافت می‌کنند و مفهوم مساوات در توزیع پرداخت‌های انتقالی تعیین پیدا نمی‌کند.

با این نظر، عملاً تفاوت ظاهری سیره نبوی و علوی به واسطه سطوح درآمدی و ثروت در ابتدای اسلام بوده که بیشتر به پرداخت‌های ویژه به افراد برای کم‌تر کردن اختلاف درآمدی و ثروت بوده و در نگاه سیره علوی در آن قسمت از درآمدهای جامعه به عنوان شهروندی رفتار یکسان در پرداخت انتقالی از جانب دولت اسلامی بوده است و اختلاف این دو سیره با سیره خلیفه دوم در جعل مبنایی که با سیره نبوی در تضاد بوده و سیره علوی نیز آن را کنار گذاشت، مشخص می‌شود.

دریافت‌های لایه اول

۱. مساوات، به معنای تساوی و نفی هرگونه تفاوت در بین افراد می‌باشد، صرف نظر از این که افراد دارای تفاوت در ملاک‌ها و استحقاق در دریافت باشند یا

خیر.

۲. سه عنوان کلی عبارت است از نظام توزیع قبل از تولید، نظام توزیع در تولید (در ارزش افزوده)، نظام توزیع بعد از تولید می‌باشد.
۳. عنوان اول شامل دو مرحله از تبیین نظام توزیع می‌باشد؛ مرحله اول نحوه توزیع ثروت اولیه در دسترس افراد جامعه، مرحله دوم نحوه توزیع فرصت‌ها و منابع جامعه در بین افراد جامعه.
۴. نظر انتخابی درباره نحوه توزیع ثروت اولیه در دسترس افراد: باید گفت، اصل مساوات در این مرحله جایگاهی ندارد و با دیدگاه آحاد افراد جامعه شامل افراد جامعه نمی‌شود و گروه‌های معین می‌توانند از آن استفاده کنند و در بین افراد شامل دریافت ثروت نیز، اصل مساوات الزاماً رعایت نمی‌شود.
۵. در مورد نحوه توزیع فرصت‌ها باید بگوییم آن فردی که دارای توانمندی لازم است باید فرصت مورد نظر را در اختیار بگیرد و به تعبیر دیگر در این جا اولویت توانمندی وجود دارد و بر این مبنا اصل تساوی مبتنی بر توانمندی یکسان است و اصل مساوات به مفهوم عام آن در این جا برقرار نیست.
۶. برقراری اصل مساوات در دریافت محصول یا سود از نتیجه کار در هیچ مرحله و با هر تعبیری که از نحوه کار در مقاله مطرح شده وجود ندارد. در اکثر عقود سهم‌بری مطرح است که آن نیز یک موضوع قابل بحث بوده، در عقود مطرح شده تراضی طرفین به مفاد سهم‌بری، صحت عقد را در پی خواهد داشت و مفهوم چانه‌زنی و قدرت کارگر و کارفرما در سهم‌بری نقش انکارناپذیری خواهد داشت.
۷. نظر انتخابی و مختار در نظام توزیع بعد از تولید: در ابتدای این مرحله از توزیع، افراد جامعه به تفاوت دریافت می‌کنند و این دریافت به نفع دهک‌های پایین جامعه می‌باشد، و در لایه بعدی به صورت یکسان از این درآمدها دریافت می‌کنند و مفهوم مساوات در توزیع پرداخت‌های انتقالی در تمام این مرحله تعیین پیدا نمی‌کند، فقط از باب اصرار بر پیدا کردن عنوان مساوات و برقراری آن بدون هیچ محدودیتی می‌توان در این مرحله پرداخت انتقالی را

به عنوان حقوق شهروندی واجد برقراری اصل مساوات دانست.

دریافته‌های لایه دوم (اصول اساسی طراحی الگوی اسلامی نظام توزیع)

۱. آنچه مهم است این که موارد ذکر شده عملاً جایگاه اصل مساوات را در اصول اساسی طراحی الگوی حاکمیتی در سبک زندگی اسلامی نشان می‌دهد که می‌تواند در مواردی تفاوت خود را با رویه‌های جاری بنمایاند و این فاصله الزام بررسی و ارائه سبک اسلامی در بستر جامعه ایرانی را در اصول رفتاری حاکمان نشان می‌دهد.
۲. در فرازهایی از اصول ذکر شده در متن به نحوه رفتار افراد جامعه نسبت به یکدیگر و حقوق یکدیگر اشاراتی کرده و عملاً خود اصول رفتاری در سبک زندگی اسلامی را نشان می‌دهد و فاصله آن با واقعیت‌های جامعه، الزام ارائه الگوی اسلامی در بستر جامعه ایرانی با دیدگاه فردی و شهروندی و در مواردی با دیدگاه اقتصاد خانواده در الگوی اسلامی را نشان می‌دهد.
۳. اصل اول در توزیع ارث؛ افراد شرکت کننده یا شامل این موضوع، محدود می‌باشند، به این معنی که بعد از فوت یک شخص، صرف نظر از جایگاه دولت اسلامی، افراد حقیقی دخیل در دریافت ثروت، محدود و معین بوده و بستگی به کم یا زیاد بودن ثروت از سویی و تعداد افراد از سوی دیگر نمی‌باشد. یعنی غیر از افراد شامل موضوع دریافت، دیگر افراد جامعه از آن بهره‌ای ندارند و به تعبیری سهم دیگر افراد جامعه از آن توزیع ثروت صفر می‌باشد.
۴. اصل دوم در توزیع ارث؛ از منظر دولت اسلامی باید گفت غیر از موارد قانونی که تصرف در ارث را برای دولت اسلامی و حاکم اسلامی مجاز می‌داند، گروه‌های ارث منصوص قرآنی بوده و از حیطة سلیقه حاکم اسلامی خارج می‌باشد و به تعبیری می‌توان گفت در این مرحله نقشی برای تشخیص واجدین شرایط ارث و نحوه توزیع ثروت در بین افراد واجد شرایط برای دولت اسلامی وجود ندارد.

۵. اصل در شفاف سازی نظام اطلاعاتی؛ اعلان فرصت‌ها به طور عمومی انجام خواهد شد و افراد نسبت به توان‌مندی و استعداد‌های خود از این فرصت‌ها استفاده خواهند کرد. به تعبیری در این شفاف سازی قیدی برای اعلان اطلاعات اقتصادی جامعه غیر از مصالح ملی وجود ندارد. البته قابل ذکر است که انجام امور محوله و دست‌یابی به فرصت‌ها، متکی به توان‌مندی‌ها می‌باشد که مفهوم جدایی از در اختیار قرار دادن فرصت برابر مواجه شدن می‌باشد.

۶. اصل در جبران خدمات عامل کار در اقتصاد امروزی، بسیط بودن و محدود بودن کار و تولید وجود نداشته و عملاً عقودی مثل مزارعه، مساقات و مضاربه جایگاه اولیه و سهم اساسی خود را از دست داده و بخش خدمات و صنعت حجم بیشتری از تولید ملی را تشکیل می‌دهند. بنابر این اتکا به این عقود اهمیت خود را از دست داده و غالباً با توجه به سطوح تکنولوژی و نوع صنعت و سرمایه‌های گزاف مورد نیاز برای ایجاد مشاغل، عملاً نقش نیروی کار تعیین کننده نیست و به صورت نهاده تولیدی در قالب عقد اجاره یا جعاله (قوانین کار) ارائه خدمات خواهد داد. در این حالت نیز آنچه که مشاهده می‌شود عدم اجرای اصل سهم‌بری در قسمت عمده اقتصاد بوده و جایگاه نیروی کار به عنوان نهاده تولیدی قابل اجاره تثبیت شده است.

۷. اصل اول در پرداخت‌های انتقالی با مصرف مشخص در بین گروه‌های جامعه، بیشتر دهک‌های جامعه را از پایین به سمت متوسط پوشش می‌دهد و حتی در پرداخت بدهی بدهکاران با شرایط خاص می‌تواند، دهک‌های بالای جامعه را نیز پوشش دهد.

۸. اصل دوم با استفاده از ظرفیت‌های مصارف مالیات‌های خمس و زکات، قسمت اصلی گروه‌های مصرف در دهک‌های پایین جامعه مورد نظر بوده و با تأمین نیازهای آنها، فاصله طبقاتی از نظر درآمدی و ثروت در جامعه کاهش می‌یابد، در مرحله بعد، درآمدهایی که محل مشخص مصرف ندارند، دولت اسلامی بنا به تشخیص خود، در گروه‌های کم درآمدی که هنوز به سطوح

کافی از درآمد و ثروت نرسیده‌اند مصرف کرده و یا در نهادهای اقتصادی جامعه و اهداف کلان جامعه هزینه می‌شود. در مرحله آخر آن قسمت از درآمدهای جامعه که قرار است بین افراد و آحاد جامعه به عنوان جایگاه شهروندی توزیع شود، شامل همه گروه‌ها، به طور یکسان و مستقل از جایگاه درآمدی و ثروت افراد جامعه می‌باشد. به بیان دیگر در ابتدای این مرحله از توزیع، افراد جامعه به تفاوت دریافت می‌کنند و این دریافت به نفع دهک‌های پایین جامعه می‌باشد، و در لایه بعدی به صورت یکسان از این درآمدها دریافت می‌کنند.

پی‌نوشت‌ها

۱. در ادامه مقاله نمونه‌های تاریخی ذکر خواهد شد. یعنی مواردی که در آن پیامبر ﷺ تقسیم یکسان بین اصحاب را نقض کرده است.
۲. اصل، اجرای عدالت است و آنچه در این مقاله هدف است ارائه الگوی توزیعی است و مشخص کردن جایگاه اصل مساوات در آن است. بدیهی است عدالت در برخی مصادیق خود می‌تواند به صورت مساوات نیز جلوه کند هر چند تحقق عملی آن کم می‌باشد.
۳. از آنجا که تمرکز بحث بر اصل مساوات است و تبیین آن با اصل عدالت قبلاً ذکر شد، جهت تبیین مفهوم این دو اصل که خود بحث جداگانه و خارج از هدف این مقاله است از نظریه مختار مرحوم شهید مطهری رحمته‌الله علیه استفاده شده است.
۴. این معنای از عدالت به اعتبار حضور انسان در جامعه است و در نسبت با سایر افراد جامعه حقوق و اولویت افراد نسبت به همدیگر معنا پیدا می‌کند و یک ارتباط افقی است، ولی رابطه بین انسان و خداوند در یک ارتباط عمودی و در این ارتباط افاضه فیض و منع فیض مفهوم پیدا می‌کند.
۵. آیه: ﴿يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ...﴾ (نساء/۱۱) و آیه: ﴿يَسْتَفْتُونَكَ قُلْ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِي الْكَلَالَةِ...﴾ (نساء/۱۷۶) و آیه: ﴿لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانُ...﴾ (احزاب/۶) و آیه: ﴿أُولَئِكَ الْأَرْحَامُ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ...﴾ (انفال/۷۵) آیاتی هستند که اصل قرآنی احکام ارثی اسلام می‌باشد و روایات به بهترین وجه تفصیل و تفسیر و معانی آنها را بیان نموده است (طباطبایی، ۱۳۶۴، ج ۴، ص ۳۴۸).
۶. جزئیات آن در متون فقهی است و خارج از هدف مقاله می‌باشد.
۷. با عنایت به پیچیده شدن جوامع و نبودن عناوین مذکور در دوران حضرات معصومین علیهم‌السلام، مبتنی بر رفتار عقلا در جوامع امروزی و وظایف دولت‌ها و این که این عرف با مفاهیم انسانی و یکسانی افراد در برابری فرصت‌ها و از سویی فرصت‌ها نیز نوعی ثروت بالقوه

می‌باشد و سیره معصومین علیهم‌السلام فراهم کردن شرایط برابر برای همه افراد می‌باشد، این قسمت تحلیل شده است.

منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم.
۲. ابن ابی الحدید (۱۳۸۶ق)، شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، جلد هفتم، بیروت، دار احیاء الکتب العربیه، چاپ دوم.
۳. ابو جعفر بن علی بن ابراهیم (۱۴۰۳ق)، عوالی اللئالی، جلد ۴، مجتبی اراکی عراقی، انتشارات سیدالشهدا.
۴. تسخیری، محمد علی (۱۳۶۸)، درس‌هایی از اقتصاد اسلامی، مسلم حاجی و مسلم عابدی، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول.
۵. حلی، جعفر ابن حسن (۱۳۷۳)، مختصر النافع، نجفی یزدی، سید محمد باقر العلوم، چاپ اول.
۶. دادمرزی، مهدی (۱۳۷۸)، فقه استدلالی (ترجمه تحریرالروضه فی شرح اللمعه)، مؤسسه فرهنگی طه، چاپ اول.
۷. موسوی خمینی، امام روح الله (۱۴۰۱ق)، تحریرالوسیله، جلد اول، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، چاپ سوم.
۸. میر شفیع خوانساری، فضل الله (بی تا)، محصل الکلام، جلد ۴، مؤسسه مطبوعاتی دارالکتاب (جزایری).
۹. امامی، محمد جعفر و آشتیانی، محمد رضا (۱۳۵۸)، ترجمه گویا و شرح فشرده‌ای بر نهج البلاغه، جلد دوم، چاپ اول.
۱۰. صدر، محمد باقر (۱۳۵۷)، بررسی‌هایی درباره مکتب اقتصادی اسلام، ع. اسپهبدی، جلد دوم، انتشارات اسلامی، چاپ دوم.
۱۱. صدر، سید کاظم (۱۳۷۴)، اقتصاد صدر اسلام، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ دوم.
۱۲. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۶۴)، تفسیر المیزان، محمد رضا صالحی کرمانی، جلد چهارم، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، چاپ دوم.
۱۳. فراهانی فرد، سعید (۱۳۸۱)، مرکز نشر و آثار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه معاصر، چاپ اول.
۱۴. مطهری، مرتضی (۱۳۵۷)، عدل الهی، چاپ دهم.
۱۵. نجفی، محمد حسن (۱۹۸۱م)، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، جلد پانزدهم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم.